روزنهٔ تازه امید در حل مسالمت آمیز مسئله کردستان

مردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

دورهٔ هفتم، سال اول، شمارهٔ ۷۷
یکشنبه ۶ آبان ۱۳۵۸ـ تک شماره ۱۰ ریال

حزب تودهٔ ایران راه حل مسالمت آمیز و مبتنی بر رفع ستم ملی از خلق کرد را یگانه راه حل مسئله کردستان میداند و آماده است در این راه، با تمام نیرو و امکانات خود، به دولت موقت جمهوری اسلامی ایران صادقانه یاری کند

تصمیم دولت درباره تشکیل هیئت ویژه کردستان گام مهم جدیدی است که درسمت طرح وحل درست مسئله کردستان برداشته شده است. اینکه علیرغم کارشکنی‌های آشکار ونهان مخالفان حل مسالمت آمیز مسئله کردستان، آقای **داریوش فروهر**، که درگشودن راه حل مسالمت آمیز زحمات فراوان کشیده‌اند، به هیئت ویژه کردستان اضافه شده‌اند، مایه خرسندی است. ما این گام مثبت را، که حاکی از خیرخواهی نسبت به خلق ستمدیده کرد است، به رهبر انقلاب ایران، **امام خمینی**، تهنیت میگوئیم و از صمیم قلب خواهانیم که هیئت ویژه کردستان در یگانه وظیفه‌ای که بعهده دارد، یعنی حل مسالمت‌آمیز مسئله کردستان برمبنای رفع ستم ملی ازخلق کرد، پیروز وموفق باشد. برادران وخواهران کرد را نیز باردیگر فرامیخوانیم که باتمام نیرو به گسترش واستقرار راه حل مسالمت آمیز و تحکیم برادری واتحاد یاری کنند.

باردیگر باقاطعیت هرچه تمامتر اعلام می‌کنیم که باید «راه‌حل نظامی»، که اصلا راه‌حل نیست بکلی و برای همیشه کنار گذاشته شود. باید بادیدن واقعیت، اعتراف به واقعیت وقضاوت وعمل برمبنای واقعیت، به فاجعهٔ کردستان برای

بقیه درصفحه ۲

حزب توده ایران یك حزب سیاسی است!

حزب توده ایران یك حزب سیاسی است. شاید این سخن از فرط بدیهی بودن، در نظر اول عجیب و بی‌نیاز ازگفتن بنماید، اما در پشت این جمله، چه حرفها و معانی انبوه است که هنوز بطور همه‌جانبه گفته نشده، و یا اگر گفته شده، آنطورکه باید و شاید شنیده نشده است.

حزب توده ایران به‌تمام معنی یك حزب سیاسی است. این به‌چه معناست؟ به آن معناست که معیارها و ارزشها و دیدگاههای این حزب بیش از هرچیز، بر یك سیاست طبقاتی مشخص، استوار است. حزب توده ایران نیروها وعناصر مختلف اجتماعی، دوستان و دشمنان خود وطبقه کارگر و انقلاب را در هرمرحله، براساس این سیاست طبقاتی، مرزبندی میکند. در این مرزبندی، نوع ملیت و نژاد، نوع مذهب ـ و اصولا داشتن یا نداشتن اعتقادات مذهبی ـ مورد توجه نیست. حزبی که خود را سازمان سیاسی طبقه کارگر و اردوگاه زحمتکشان میداند، نمیتواند و نباید اجازه دهد که پاره‌ای ازپیکر رنج وکار، یعنی عناصر وگروهها و اقشار کارگری، به‌صرف داشتن عقاید مذهبی در پشت درهای بسته حزب بمانند.

انگلس اعلان جنك بوسمارك را به‌مذهب،

بقیه درصفحه ۲

باردیگر بر پاکسازی دستگاه دولتی تاکید می کنیم

□ کشف باند توطئه و خرابکاری در وزارت بازرگانی، هشدار حزب توده ایران را در مورد ضرورت و فوریت پاکسازی دستگاه دولتی، باردیگر تأیید میکند

درصفحه ۲

دولت موظف است استرداد شاه سابق را رسما از دولت امریکا بخواهد

شاه‌سابق بنا به اخبار خبرگزاریهای غرب بیمار است. نه، تندرست است؛ سرطان دارد؛ نه، ندارد؛ مبتلا به مالاریا است، نه، مبتلا به سرطان است؛ معالجه‌پذیر نیست؛ نه، معالجه پذیر است؛ جراحی شده، نه، نشده؛ مبتلا به بیماری صفراوی است؛ نه، بیماری زهروی است؛ کیسه صفرایش را درآورده‌اند، نه، درنیاورده‌اند. دارد میمیرد؛ نه، نمی‌میرد...

این به‌اصطلاح اخبار، پرده استتار ابلقی است برای پوشاندن اقدام سیاسی دولت ایالات متحده امریکا به پذیرش شاه‌سابق، جنایتکار حرفه‌ای، سرشکنجه‌گری که هزاران میهن‌پرست ایرانی را زیرشکنجه کشته یامثله کرده، قاتلی که فرمان کشتار جمعی دهها هزار نفر را صادر نموده، گانگستری که فقط یك چشمه از عملیاتش به آتش کشیدن سینمارکس آبادان بوده، دزدی که ۳۵ میلیارد دلار به‌حساب فقر وگرسنگی و مرگ توده‌های میلیونی ازثروت ایران را به‌جیب زده، خائنی که کشور مارا بمدت یکربع قرن به میدان توطئه و غارتگری امپریالیسم جنگ افروز و چپاولگر امریکا بدل کرده است.

دولت موقت جمهوری اسلامی ایران دراین مدت ۸ ماهی که از پیروزی انقلاب میگذرد، هیچ اقدام رسمی برای استرداد این جنایتکار دزد بعمل نیاورده است. این اقدام چنان عادی ومطابق با حقوق بین‌المللی است که ابتدا فقط دولتهای مصر و مراکش، با قبول ریسك قطع رابطه سیاسی با ایران، اورا پناه دادند ودیگر دولتها او را نپذیرفتند.

سپس او بعنوان «توریست» به باهاما رفت وازآنجا بمکزیك. و چون دولت ایران حتی اعتراض رسمی هم نکرد، درمکزیك رحل اقامت افکند، واینك کار بآنجا رسیده که دولت امریکا تشخیص داده که دیگر می‌تواند عامل سرسپرده خودرا بپذیرد، یعنی باقدامی دست زند که ماهها جرأت آن‌را نداشت.

حالا همه‌چیز سرجای خودش قرارگرفته. محمدرضا در امریکا

بقیه درصفحه ۲

نامه سرگشاده کانون دانش آموزان ایران به مردم قهرمان ایران. شورای انقلاب. دولت موقت جمهوری اسلامی!

- آموزش و پرورش را دریابید!
- فرهنك پویای انقلابی درخطر است!
- ضدانقلاب درکمین است که مدارس را جولانگاه نیات سوء خویش سازد!

یك ماه واندی ازآغاز سال تحصیلی میگذرد، ولی هنوز ما درتمامی زمینه‌های آموزشی با نارسائیها ومشکلات فراوانی روبروهستیم: کمبود مدرسه وکلاس، کمبود دبیرو آموزگار، تعطیل مدارس وکلاسهائی باتعداد دوبرابر گنجایش دانش‌آموز. درمدارس شهری، شوش، خزانه، کلاسها بجای ۶ ساعت، تنها ۲ ساعت آنهم به‌شکل ناقص در روز تشکیل میشود. همه این نابسامانیها یك طرف، پس‌گرفتن حرف کفیل آموزش وپرورش در دولتی شدن مدارس، شهریه مدارس دولتی، ممنوع کردن بحث سیاسی درکلاسها ازطرف دیگر.

ما بارها تذکر داده‌ایم که باید به آموزش وپرورش برخوردی بنیادی وانقلابی کرد. امامتاسفانه

بقیه درصفحه ۲

در صفحات بعد:

- حجت‌الاسلام مجتهد شبستری: دراتحادشوروی تبعیض بین مسلمان و غیر مسلمان احساس نکردیم. صفحه ۴
- حزب‌توده‌ها ـ یك‌فرد مسلمان درباره «مردم» اظهارنظرمیکند صفحه ۳
- دولت انقلابی باید فئودالیسم‌را بنفع‌دهقانان ریشه‌کن کند صفحه ۲
- جهان سرمایه‌داری باتورم روزافزون روبرواست رویدادهای جهان ـ صفحه ۳
- اخبار کارگری و دهقانان صفحه ۳
- یاباید به‌مردم تکیه‌کنیم‌یا به سرنیزه وامپریالیسم درمطبوعات کشور ـ صفحه ۲

از: شرف

به‌پذیره شعر «نیمرگان» از، فرهاد ره‌آور که درشماره ۶۵ «مردم» درج‌شد.

صبح تاریخیم

گرچه در پیکار هستی پیك و پیغامیم ما
روزوشب‌از هردوسو آماج دشنامیم ما!

زود جوشان،زودهم در کام خاموشی روند
خلقهارا جوشش پیگیر و آرامیم ما

گرچه‌گوئی راهتان فرجام‌خلق‌وخلقت است
در میان بی‌سرانجامان سرانجامیم ما

ناشکیبایان شب وروزاند درتاب وشتاب
شبروان‌پرشکیب وصبرایامیم ما

شمع‌شب‌های‌جهان‌بودیم و پیك بامداد
صبح‌تاریخیم و اکنون کودك شامیم‌ما

کامجویان‌درفریب‌کام خود مردندوباز
کامبخش نوع انسانیم ونا‌کامیم ما!

شب‌پیاپی بود واکنون‌نیز درفجرامید
نوشکفته‌آفتاب خفته بربامیم‌ما

درمرادد‌شمنان‌خلق‌سخت وسرکشیم
درمرام‌مردم خودهمره‌ورامیم‌ما

نامهای‌جاودانسازیم‌در سودای خویش
درمیان نامداران‌گرچه بی‌نامیم‌ما!

جغدباطل‌راگریزان میکنیم‌ازبام‌خلق
مرغ‌حق‌رادرحقیقت‌دانه‌ودامیم‌ما

۲۶ مهرماه ۵۸

تادیر نشده اقتصاد ایران را دریابیم

ایران فاقد پایه واقعی تولید صنعتی است

برخی مشخصات اقتصادی واجتماعی سرمایه‌داری وابسته درایران

یك‌نکته بسیارمهم برای درك صحیح بافت وقانونمندیهای تکامل جامعه، تمیز روندهای‌دراز مدت‌تاریخی (ماکروپروسه) ازروندهای کوتاه مدت تاریخی (میکرو ـ پروسه) است.

عیناً مانند عرصه فیزیك، که‌درجهان مهین (یاعالم‌کبیر) قوانین مکانیك نیوتون وسیله توضیح وتعلیل پدیده‌هاست ودر جهان کهین (یاعالم صغیر و جهان سوب آتمیك) مکانیك کوانتا افزار علمی و تئوریك دریافت‌این‌پدیده‌ها بشمار است، عینا در جامعه و تاریخ کار بدین منوال است.

ماتریالیسم تاریخی روندهای **دراز مدت** را توضیح میدهد، قوانین **عام** رابیان میدارد، که موافق آن، همه جوامع بشری طی زمان حرکت می‌کنند، ولی وقتی‌ما یك‌برهه، یك‌مقطع کوچك از تاریخ‌رادرزمان‌ومکان برگزینیم، دیگر تنها آن‌قوانین عام‌کافی نیست، بلکه باید قوانین خاص مقطع گزین شده خودرا نیز بیابیم‌ونه‌فقط از اقتصاد، بلکه‌ازجامعه‌شناسی، روان شناسی، تاریخ، آمار، مردم شناسی وغیره وغیره مدد گیریم.

شکل‌بندیهای اجتماعی ـ اقتصادی، که برپایه طبقاتی است، مانند نظام دودمانی پدر سالاری، نظام بردگی، نظام فئودالیسم یازمین‌سالاری، نظام سرمایه‌داری، **بطورکلی** برای تشخیص و شناختن اشکال متناوب تکاملی درجوامع بشری، صادق است، ولی‌بدون تردید، سهم‌مشخص (کنکرت) این قوانین در جامعه ایرانی یاهندی یاعربی یاجوامع فرانسوی و انگلیسی وآلمانی یکی نیست. هیچ چیز در اینجا نادرست‌تر از الکوسازی‌های مکانیکی نیست‌که مارکس مارا از آن سخت برحذرداشته وبه‌بررسی تجربی (آمپریك) تشویق کرده است، منتها نه‌آزمون گرائی خزنده و تهی از تعمیم، بلکه تجربه‌ای‌که باتعقل، مشخصی‌که بامجرد همراه باشد.

ما درباره ویژگیهای بردگی وفئودالیسم در ایران درگذشته سخنانی گفته‌ایم. محققین مارکسیست خارجی نیزدراین باره‌درآثارگوناگون‌خود، که‌بفارسی ترجمه شده، گفتگوهائی دارند. آنچه که اکنون‌برای ما مطرح است، آنستکه برای آشنائی بنا بافت و ساخت طبقاتی وپی‌بردن به‌سرشت اقتصادی ـ اجتماعی **جامعه‌کنونی** ایران، ماوظیفه داریم که ویژگیهای **سرمایه‌داری ایران** را بشناسیم. مطلب پیچیده است‌و گاه دشوار. درتوری صیادی عقل و ادراك آدمی کور میکند، زیراعوامل‌سخت متنوع تاریخی ـ سنتی باعوامل معاصر، که نتیجه سیاست امپریالیستی است، درهم‌بافته شده است.

انگلس به‌ما میاموزدکه قوانین را ازدرون بررسی تاریخی پدیده بیرون بکشیم، اسلوبی‌که آنرا دیالکتیك «منطقی‌وتاریخی» مینامند. یعنی برای‌آنکه بدانیم قوانین رشد و ویژگیهای سرمایه‌داری ایران چیست، بایدآنرا درسیرتاریخی‌پیدایش وگسترش‌این سرمایه‌داری جستجو کنیم.

تولید خرده‌کالائی درایران، دراثر یك‌سلسله عوامل تاریخی وتمدنی، نتوانست بخودی‌خود به تولید بزرك کالائی بدل‌شود وتولید بزرك‌کالائی بشکل‌وارداتی بایران آمد ودرقرن نوزدهم میلادی سرمایه‌داری در جامعه سنتی ما ازخارج «نشاء» شد.

بورژوازی رسائی وکاسبکار در دوران انقلاب مشروطیت باندازه کافی قوی نبودکه بتواند اشرافیت فئودال را بروبد وحاکمیت خودرا ازبنیاد تافته، از اقتصاد تاسیاست برقرارکند. سخن لنین صادق است‌که گفت، «خویشاوندی طبقاتی سرمایه‌داران با مالکانی‌که درشرایط قرن‌نوزدهم میزیستند (ودر مورد ایران‌آغاز قرن بیستم نیزصادق است) آنها را واداشت‌که درسایه «شاه‌محبوب» یکدیگررادرآغوش‌کشند.» (کلیات ـ جلد ۳۲ ـ صفحه ۳۸۵)

بقیه درصفحه ۳

آتش بس در کردستان شرط حتمی وضروری برای موفقیت در مذاکرات است

www.iran-archive.com

حزب تودهٔ ایران، یك حزب سیاسی است...

بقیه ازصفحه ۱

به‌این دلیل «جنون‌آمیز» توصیف کرد که، **«بیشمارك بجای خط‌کشی سیاسی بین نیروهای اجتماعی، خط‌کشی‌های مذهبی را پیش‌می‌کشیدو به‌این ترتیب‌توجه‌برخی از اقشار طبقه‌کارگر و دموکرات‌ها را از وظایف مبرم مبارزه طبقاتی و انقلابی، به یك مبارزه سطحی و دروغین بورژوائی منحرف میساخت.»**

ولنین درست به این‌مرزبندی‌دقیق‌سیاسی‌ـ طبقاتی تکیه داشت‌که تاکید میکرد،

« ما نه تنها باید بتمام‌کارگرانی که بخدا اعتقاد دارند، اجازه‌دهیم‌که به‌حزب سوسیال دموکرات بپیوندند، بلکه باید در جهت جلب‌آنها به‌حزب‌نیزآگاهانه‌کوشش کنیم. ما بدون بروبرگرد مخالف هرنوع جریحه‌دار کردن اعتقادات مذهبی‌آنها هستیم.»(۲)

اما اینکه مرزبندی حزب‌توده‌ایران مبتنی بریك‌سیاست طبقاتی وعلمی‌است و نه فی‌المثل نوع‌ملیت ونژاد، زن‌بودن یامردبودن، داشتن یا نداشتن عقیده‌مذهبی، هنوزبه‌تمامی، تفسیر این واقعیت‌نیست که‌حزب توده ایران یك حزب سیاسی است. این‌مسأله بعد مهم دیگری‌میدارد،

حزب‌توده ایران یك‌حزب سیاسی است از آن‌جهت‌که «سیاست» دارد و چون سیاست دارد، ناگزیراست سیاستمداران نخبه، مستعدوباتجربه طبقاتی خاص خودراداشته باشد، برای‌پیشبرد امرطبقه کارگر، تنها دردست داشتن قطب‌نمای جهان‌بینی نافذعلمی وانقلابی‌و باامواج پیشرو تاریخ‌شناکردن کافی‌نیست. اگر جز این بود، ایدئولوگها وتئوریسین‌ها، جای‌رهبران سیاسی مجهز به‌فوت‌وفن‌های سیاسی را میگرفتند و سیاستمداران ازخط اول جبهه سیاسی، کنار میرفتند، یك‌حزب‌سیاسی‌جدی مانند حزب‌توده ایران، صرفنظراز مرامنامه وبرنامه تاکتیکی‌و استراتژیك، صرفنظر ازمجهز بودن‌به‌ایدئولوژی وتئوری راه‌گشا، دارای«سیاست»هم‌است.

نزدیکترین راه‌درعرصه‌تاریخ‌وجامعه‌همیشه مستقیم‌ترین راه‌نیست زیراتکامل‌همواره‌برروی یك‌خط مستقیم‌صورت نمی‌گیرد. وقتی‌لنین، این نابغه میدان‌های توفانی سیاست و انقلاب، «سیاستمدارانی راکه قدرت‌مانور،ساخت‌وپاخت، وسازش»را درپیچ وخمهای گیج‌کننده میدان پردست‌انداز سیاست ندارند، بااین‌جمله کوتاه ارزیابی میکند که، «اینها پشیزی نمی‌ارزند»، درست‌به‌کنه ایرواقعیت ضرور اشاره‌میکند‌که،

حقانیت تاریخی کافی‌نیست. همه گره هارا نمیتوان ونباید بازور بازوی دلیری واعتمادبه صحت‌کلی راه، بانیرد رویاروی تن‌به‌تن، باخرج کردن بی‌محابا واسراف دراندوخته‌های سیاسی‌و انسانی، باهدردادن‌نیروهادرکشمکش‌هاوجدال‌ـ های فرساینده غیرعمده، مصرف‌کرد. چه‌بسا یك مانور موقع، یك‌سازش اصولی، یك‌عقب نشینی ـ لازم وبجا، یك اتحاد موقتی و ثمربخش، کاری بیشتراز یك‌سپاه جرار ازپیش ببرد.

این رهنمود، هرگز به‌مفهوم ترویج ماکیاـ ولیسم، زیرپانهادن اصولیت انقلابی ومجاز شمردن هرنوع «روش» و«وسیله» برای وصول به‌هدف نیست. برعکس، مارکسیسم هیچوقت «وسیله» را جدا از «هدف» داوری نمی‌کند. در دیالك‌تیك «مقصد» همان «راه» وراه جزئی از مقصد است . انسان انقلابی نه تنها با مبارزه‌اش (پراتیك)، بلکه باالگو وسرمشقی که ازخودوخصائلش‌ارائه میدهد، درتغییرجامعه وجهان میکوشد. از اینروست که مارکس‌اصرار میورزد، **«طبقه انقلابی بایستی تجسم تمام فضائل، زیبائی‌ها و پاکی‌ها باشد.»** آن «ساخت وپاختی»که دراینجا مورد نظر است، **انعطاف پذیری درروبه ودرگفتار وکردار وتابع ساختن احساسات وعواطف فردی به مقتضیات عمومی واساسی جنبش وطبقه وظرفیت وشکیبائی‌است**، دریك‌کلام، «مشی سنجیده‌وعلمی، که‌درآن‌اصولیت‌واستواری انقلابی ـ آشتی‌ناپذیری دراصول واساسـ بانرمش وواقع‌گرائی درعمل،بهم آمیخته وترکیب شده باشد»، موردنظر است.

حزب بدون سیاست، به سپاهی‌میماند که پیش ازآموزش رموز وفنون نبرد، عازم میدان جنك شده‌است. افراد این‌سپاه هرقدر شجاع و بیباك وعزم وایمان آنها هرقدر پولادین باشد، دربرابرمانورهای افواگر ومهارت‌درفرماندهی وآزمودگی ومکردشمن‌کاری از پیش نخواهند بود. چنین شطرنج‌بازی‌را، پیش ازشروع‌مسابقه «مات»شده باید تلقی‌کرد.

لنین، درپی‌ایجادنخستین کشورسوسیالیستی جهان، به بلشویك‌ها گفت، **«وقت آنست‌که طبقه‌کارگر مانند بورژوازی، سیاستمداران خبره وکارکشته خود را بپرورد.»**

جهان بغرنج کنونی ، عرصه سیاست‌های بغرنج وتودرتوست. اگرمسیر ما به مدد چراغ تئوری علمی وانقلابی روشن است، برای دشمن هم روشن وشناخته شده‌است.

آری، حزب ما چهره مشخص و شناخته‌ای شده‌ای است، اما بیگانه ازبازی‌ها و تردستی‌ها وشعبده‌گری‌های دشمن، به میدان‌های ناشناخته گام نمی‌نهد . سیاست حزب توده ایران زره و سپراوست. برای طبقه کارگر همواره بایـد در فکرمطمئن‌ترین سپر وزره بود.

باردیگر برپاکسازی دستگاه دولتی تاکیدمی کنیم

دفترنخست‌وزیری‌اطلاعیه‌ای درباره کشف یك باند توطئه و خرابکاری دروزارت بازرگانی انتشار داده است . بر اساس این اطلاعیه،

«این شبکه طبق مدارك رسمی بوسیله عوامل وعناصر ساواك منحله‌وافراد وابسته به سازمانهای استعمار غربی و گروههای‌ضدانقلابی‌دروزارت بازرگانی مشغول‌فعالیت بوده است.»

هدف فعالیت این‌شبکه،موافق اطلاعیه نخست‌وزیری،عبارت از: **«کنترل‌امورمربوط به خرید ، حمل،تخلیه وتوزیع‌کالاوارزاق عمومی از کشورهای خارج بوده‌است.»** بدینطریق این‌شبکه از یکسو درامور مربوط به‌ارزاق عمومی بقصد تخریب انقلاب ، خرابکاری‌کرده ومردم راناراضی ساخته وازسوی دیگر،طبق‌اطلاعیه دولت، **با شایعه پراکنی، وارد آوردن‌اتهامات کاذب‌برعناصر صادق به انقلاب، تظاهرات افراطی‌به‌اسلام،دلسوزی‌برای بیت‌المال و نزدیك‌شدن به‌ـ شخصیت‌های مذهبی، علیه پیشرفت انقلاب‌اسلامی توطئه میکرده است .**

سردسته این‌باندخطرناك،یکی از اعضاء عالیرتبه دولت ، یعنی معاون وزارت بازرگانی بوده، که درعین حال سرپرستی سازمان‌غله وقند وشکر را نیز برعهده‌داشته است. این شخص، موافق مصاحبه تلویزیونی آقای‌صدروزیربازرگانی عضو ساواك منحله بوده، از شاه مخلوع‌حکم ومدال داشته، **آقای ایزدی وزیر کشاورزی با او دوست بوده و او را فردی «ذیصلاح»معرفی‌کرده**، زمانی که ازمعاونت وزارت بازرگانی کناررفته، **طبق درخواست‌وزیر کشاورزی بسمت مشاور وزیر کشاورزی بوزارت کشاورزی انتقال یافته و ازدوماه پیش عضویت‌اودر ساواك برهیئت دولت‌مکشوف‌بوده،ولی برای دستگیری اواقدامی نشده،تا بموقع‌فرارکرده است!**

از دیگر شرکت‌کنندگان‌در این‌توطئه‌معاون‌بازرگانی‌خارجی، سازمان غله ویك عضوفعال‌ساواك بنام نجومی‌بوده، که‌بدروغ به‌او عنوان وکیل دادگستری‌داده‌اندو اورا وکیل یك شرکت امریکائی معرفی‌کردند.این‌باند ضدانقلابی توطئه‌گر باخارج پیوسته‌درتماس بوده، هفتادمیلیون‌ریال‌سوءاستفاده مالی‌کرده‌ومهمترازهمه،بازرگانی داخلی وخارجی ارزاق عمومی‌را را در دستهای خیانت‌پیشه خود متمرکز ساخته وقصدایجاد قحطی و شکست انقلاب درکشورراداشته است. چه‌کسی دراین ماجرامقصر است؟

روزنامه «مردم»، ازنخستین ماههای انقلاب ، پیوسته هشدار داد که دستگاه دولتی باید از عناصر ضد انقلاب ، همکاران ساواك منحله ، جاسوسان سیا و وابستگان برژیم پیشین پاك‌شود. «مردم» تا همین پریروز ، یعنی در شماره سوم آبان خود، بازبر ضرورت پاکسازی در ادارات و دستگاه‌دولتی،باذکربرخی‌نمونه‌ـ های مشخص تاکید کرد، که‌هرگز بدان توجهی نشد . ماکراراً از دولت خواستیم‌که لیستساواکیها را افشاء کند تا مردم‌این عناصر مزدورو کثیف وخائن‌را بشناسند وقدرت عمـل از آنـان سلب گردد. متاسفانه تـا هم اکنون ایـــن کار لازم ، انـجـام نشده است. مابارها وبارها نوشتیم که اگر ملاك انتخاب و انتصاب افراد نه‌درجه ایمـان آنان بـه انقلاب، بلکه میزان‌تظاهرشان به مذهب باشد، برای ساواکیـها و عناصر وابسته به‌رژیم‌پیشین‌سهلـ ترین کارآنست‌که خود رادر زیر نقاب مذهبی متعصب پنهان‌کنندو بمراکز حساس تصمیم گیری راه یابند وامروز اطـلاعیه نـخست وزیری صریحا ازعناصری سخـن میگویدکه **تظاهر افراطی بـه اسلام** داشته‌انـد و خـودرا به شخصیت‌هـای مـذهبی نزدیـك میکرده‌اند.

ماکراراً نوشتیم‌که منظوراز پاکسازی‌دردستگاه‌دولتی،برخلاف تصور آقای نخست‌وزیر، آن‌نیست که تمام‌کسانیکه دردوران طاغوت کارمند دولت‌بوده‌اند، بایداخراج شوند وافرادجدیدی‌جانشین‌آنها گردند، مامعتقدیم که کارمـندان دولت دراکثریت خود مـردمـی محروم وزحمتکش، صدیق‌ومؤمن به انقلابند،ولی درعین‌حال‌اعتقاد داریم که ساواك منحله کـوشیده است مزدوران خودرا درمیان‌قشر کارمندان،مانند بسیاری ازاقشار دیگر،بنشاند. باید این مهره‌هارا شناخت، آنهارا از صـف مـتـزه کارمندان‌بیرون‌کشید وازادارات ووزارتخانه‌ها بیرون ریخت. ما بارهاپرسیده‌ایم، چراتاکنون‌تمام مدیران کل‌بیشتر وزارتخانه‌هاو بویژه وزارت امور اقتصـادی و دارائی، همان مدیران‌کل دوران طاغوت‌اند،که‌باآن‌رژیم‌پیوندسرشتی داشته‌اند؟ چرایکی از معـاونان وزارت‌کشاورزی درپـیـنـج کابینه رژیم گذشته معاون بوده؟چرایکی دیگر از معاونان این‌وزارتخانه، همان‌معاون وزیرکشاورزی‌کابینه ازهاری است؟ چراماون وزارت راه دردوران طاغوت‌هم همین‌سمت راداشته؟ چرا مدیران جدیـد بانکهای ملی شده، اکثرا همان مدیران و عالی مقامان دوران طاغوت‌اند؟چرا؟چرا؟چرا؟وهرگز پاسخی‌نشنیده‌ایم.

با وجود اصرار وپافشاری دولت براین‌امرکه«چکنیم، آدم‌نداریم» ما معتقدیم‌که «آدم داریم»وبسیار هم داریم، بشرط آنکـه مقامات مسئول‌کشوری، خود را در چارـ چوب عقیدتی‌خود زندانی نکنندو ازدایرهٔ بستهٔ اطرافیان خود پای بیرون نهند. این آدمها را،کـه بعقیده ماشایستگی اداره نهادهای دوران انقلاب را دارند، میتوان در میان روشنفکران و تحصیلـ کردگانی‌جست‌که دررژیم پیشین به بازی گرفته نشدند ، زیـرا وجدان‌انقلابی‌شان‌مانع ازتسلیمـ شان به طاغوت بود. باید درمیان تحصیلکرده‌هائی یافت‌که به علت عدم همکاری با طاغوت زودتر از وقت بدست رژیم گذشته‌خانه‌نشین وحتی‌زندانی شدند. باید درمیان افراددرس‌خوانده ومتخصص‌جست که پس‌از انقلاب، باکوله باری‌از دانستنیهاومهارتها وباامیدخدمت به انقلاب به‌کشور بـازگشته‌اند. بایداز نیروی‌کار وایمان‌جوانانی استفاده‌کردکه هم‌اکنون‌سرگردان وبیکارند. معلوم نیست‌چرامقامات مسئول‌کشوری، عناصر وابسته به رژیم پیشین را، که‌درسرشت‌ضدـ انقلابی و ضدمردمی آنها تردید نیست، به‌آسانی در رأس کارهـا می‌پذیرند. اماازبرکماری عناصر مؤمن و وفادار بـه انقلاب، ولی «دگراندیش» باك دارند!

کشف شبکه سوء استفاده در یکی از بـانکهای پرشعبه، یعنی بانك صادرات، کشف شبکه‌قاچاق ارز در فرودگاه مهرآباد، کشف شبکه اخیر دروزارت بازرگانی‌و وزارت کشاورزی، شبکه‌خطرناکی که چند روز پیش لو رفت وقصد خروج بیش‌از صدصندوق اسنادو مدارك‌ونقشه‌های مربوط‌به‌مملکت و ارتش را داشت، کـه از سوی دولت «بسیارمهم‌وحیاتی «قلمداد شد، بحدکافی بیانگر این حقیقت است‌که ضد انقلاب تاچه‌حد فعال ودولت موقت انقلاب تاچه‌اندازه بی‌توجه به عملکرد خطرناك ضد انقلاب است . این تـوطئه‌هـای خرابکاری، حلقات زنجیری‌هستند که امپریالیسم و ساواك و عناصر وابسته به‌رژیم شاه مخلوع به دور انقلاب کشیده‌اند وهـرروز آنرا تنگتر میکنند. باید باهشیاری وعمل انقلابی‌این زنجیررادرهمه حلقات‌آن شکست، تابتوان‌انقلاب را مصون‌داشت وبسوی‌هدفهایش، که رهائی خلق است، به‌پیش‌برد.

روزنه تازه امید در حل مسالمت آمیز مسئله کردستان

بقیه ازصفحه ۱

همیشه خاتمه بخشید و فرزندان خلقهای مارا ازاین حمام خـون بکلی بیمورد و،کلی‌تصنعی‌نجات داد. بزرگترین واقعیت در ایـن مورد عبارتست از لزوم تحکیم اتحاد خلقهای ایران جهت حفظ دستاوردهای‌انقلاب‌ایران،اعتراف به‌وجود خلق ستمدیده کرد و به حقوق بی‌چون وچرای او،تأمین صادقانه این حقوق در چارچوب میهن‌واحـد وتجزیه ناپـذیرما، ایران.

همانطور که بارها تکرار کرده‌ایم، حزب توده ایران‌آماده است در راه حـل مسالمت آمیز مسئله‌کردستان برمبنای رفع ستم ملی ازخلق‌کرد، بدولت مـوقت جمهوری اسلامی ایران صادقانه یاری کند.

نامه سرگشاده کانون دانش‌آموزان ایران...

بقیه ازصفحه ۱

برخورد دولت به‌این نهادی که فردای سالم‌ایران درگروآنست، سطحی وغیرمنطقی است.

ـ برای این‌وزارتخانه‌هنوز نتوانسته‌اند یك وزیر مسئول‌پیدا کنند، بطوریکه کارهـایش‌بعهده یك کفیل است.

ـ درحالیکه مدارس‌بخاطر کمبود آمـوزگار ودبیرتشکیل نمیشوند، دسته‌دسته دیپلمه،فارغـ التحصیلان دانشگاههای ایران (حتی ازدانشگاه تربیت معلم) و فارغ‌التحصیلان خارج ازکشور ، بعلت نداشتن کار، یا درتحصن و تظاهرات‌بسرمی‌برند ویا دریاد، ك ملت‌تهران مشغول پختن آش‌رشته وفروش‌لبوهستندو یادرشهرستانها درخیابانها پرسه می‌زنند.

ـ کمبود مدارس وکلاسهای مملو ازشاگرد بصورت یك معضل لاینحل درآمده، درحالیکه خانه های سربفلك کشیده عده‌ای دزد فراری ازوطن، درجنوب ، مرکز وشمال شهر، خالی است و دولت «شرافتمندانه» مسئولیت حفاظت آنرا بعهده گرفته است.

دولت‌ازکمبود بودجه،نبودن پول‌درکشور برای بسط وگسترش شبکه آموزشی واستخدام معلمین می‌نالد، در حالیکه وزارتخانه‌ها میلیونها تومـان صرف بازخرید سابقه خدمت عده‌ای کلاش که در زمان طاغوت بجز خرابکاری ، دزدی و چپاول و حیف و میـل بیت‌المال،وظیفه‌دیگری‌نداشته‌اند می‌کنند و میلیاردها تومان ارز کشور بلاکشیده ما،ازطرف‌عده‌ای «مستکبر» خوش‌گذران، درهمین ماههای تابستان به پاریس ، رم، کالیفرنیا، لندن... برده شده‌است.

دولت کنونی متأسفانه عملا قادربه حل معضلات کنونی‌کشور نیست وبا کندکاری و ندانم‌کاری خویش، زمینه برای سوءاستفاده ضدانقلاب وعناصر مخرب ایجاد میکند. هم اکنون تعداد زیـادی ازمدارس بحال نیمه تعطیل درـ آمده‌اند. دانش‌آموزان آگاه و انقلابی علاقمندند، که‌کمبودهای سی‌سال گذشته را جبران‌کنند و بحق‌توقع دارند، که محیط‌آموزش وپرورش، دمکراتیك و با نیاز جامعه انقلابی ما هم‌آهنك شود. اما بعلت پافشاری‌غیرمنطقی‌دولت درحفظ‌مدارس‌خصوصی، اخذشهریه وایجاد محیط اختناق در مدارس، در دورنگه‌داشتن دانش‌آموزان‌از سیاست وسپردن مسئولیتها بدست مسئولی که با رژیم‌گذشته همکاری نزدیك داشته وهم‌اکنون با تغییر اوضاع به عوض‌کردن چهره کریه ضدمردمی‌خویش پرداخته‌اند، و دادن میدان به عده‌ای دیگر از عناصر فرصت‌طلب و انحصارگر، چنان محیط غیرقابل تحملی در مدارس بوجودآورده‌اند، که‌عده‌ای عناصر به ظاهرچپ بتوانند از احساسات پاك و خواستهای بحق دانش‌آموزان بـرای رایگان و همگانی شدن آموزش سوءاستفاده کنند .

دولت با بی‌اعتنائی بخواستهـای بحق این توده عظیم و بی‌توجهی باین مسئله که دبیرستانها بحال تعطیل درآمده و دانش آموزان بجای کلاس‌درس، هرروزبخیابانها می‌آیند، باعث‌می‌شودکه دشمنان انقلاب ایران این نابسامانیها را بحساب«بی‌خردی‌ونایختگی»مردم گذاشته وازآن‌سوءاستفاده کنند.

دانش‌آموزان‌آگاه وانقلابی باید کوشش‌کنند که از تعطیل کلاس‌ها ومدارس جلوگیری‌کنند وبرای‌تحقق‌خواستهای‌خویش‌براه منطقی وعملی دست‌زنند.

دانش‌آموزان‌آگاه‌باید‌بجای تعطیل هرروزمدارس، با برگزاری میتینك‌های موضعی وجلسات‌عمومی درحیـاط مدارس یا سالن‌های سخنرانی وتنظیم خواستهای‌دانش آموزان،به شکل یك قطعنامه با تعیین مهلت‌محدود، برای دولت وبردن آن بوسیله‌هیئت‌نمایندگی ازدانش‌آموزان بوزارت آموزش وپرورش‌وروزنامه‌ها،دولت‌راوادار به‌پذیرش‌تقاضای خویش سازند.

مسلم‌استکه هم‌آهنك ساختن این اقدامات درهمه مدارس‌کشور وانتخاب‌یك رهبری‌واحدمیتواند ازکارائی بیشتری برخوردار شود وزمینه‌را برای ایجـاد اتحادیه سراسری‌دانش‌آموزان‌فراهم‌سازد.

کانون دانش‌آموزان ایران، بمثابه‌سازمان واقعی‌دانش‌آموزی، همواره از منافع اقتصادی،سیاسی واجتماعی دانش‌آموزان به دفاع برخاسته و بـــه عنوان سازمانی مسئول کوشیده است با انتقاد و رهنمودهای جـدی، دولت موقت جمهوری اسلامی‌رابه اهمیت‌توجه به این‌گروه از هموطنان مـا،که سازندگان شکوفان فردای ایران هستند، راغب سازد.

اکنون‌کـه وضع‌آشفته وبهم پاشیده آموزش و پرورش بحدی رسیده، که نه پاسخگوی نیازهای یك جامعه انقلابی‌است‌ونه‌توانسته روال عادی خویش را حفظ‌کند، سازمان ما وظیفه خود میداندکه به‌مردم قهرمان ایران، به‌شورای انقلاب، به دولت موقت جمهوری اسلامی، هشداردهد،

آموزش‌وپرورش رادریابید، فرهنگ پویای انقلابی درمدارس درخطر است! ضدانقلاب درکمین است که مدارس راجولانگاه‌نیات سوء خویش سازد!

کانون دانش‌آموزان ایران، آماده‌است به‌سهم‌خودبه‌رفع کمبودها ومشکلات‌کنونی آموزش وپرورش بپردازد و مشکل کلاسهاو معلمین را بـا پیکاری انقلابی و سریع برطرف سازد. مـا با تمام نیرو حاضریم این مسئولیت رابپذیریم و در رفع نابسامانیهـای کنونی بکوشیم.

کانون دانش‌آموزان ایران

۳ آبان ۱۳۵۸

دولت موظف‌است استرداد شاه‌سابق را رسماً از دولت امریکا بخواهد

بقیه ازصفحه ۱

است، دولت‌امریکا اورا‌پذیرفته، نام اورا مجدداً علم‌کرده‌وبدین‌ـ وسیله به‌ضدانقلاب درایران‌اعلام داشته‌استکه میتواند همچنان به‌ـ حمایت دولت‌امریکا اطمینان‌داشته باشد، میتواند یقین‌داشته باشدکه دولت امریکا،دشمن انقلاب‌ایران، دشمن جمهوری اسلامی ایران است، خواستار رژیم واژگون‌شده محمدرضاشاهی است،امیدواراست که باین‌هدف دست‌یابد.

دولت امریکا باپذیرفتن‌شاه سابق به‌ضدانقلاب ایران‌میگوید، توطئه کنید، کارشکنی کنید، خرابکاری کنید به‌موفقیت‌خودامیدوارباشید، زیراما امریکائیهاهنوز امیدواریم ودست‌اندرکار .

دولت موقت‌جمهوری‌اسلامی ایران‌دربرابراین‌اقدام‌آشکاراتحریك و خصومت آمیز دولت امریکا چه بایدبکند؟نه‌فقط‌اعتراض،که‌اعتراض هم نکرده است، بلکه**باید رسماً استرداد محمدرضا را بعنوان جانی ودزد طلب‌کند.** این‌حق مسلم مردم ایران است . ایـن خواست قاطبه مردم ایران است، این‌طلبی است‌قانونی و منطبق‌بر موازین حقوق بین‌المللی.

روش مقامات رسمی دولتی نسبت به‌مسئله بهیچ عنوان قابل توجیه نیست. سخنگـوی وزارت خارجه در ایران،سخنگوی‌سفارت ایران در واشنگتن،نماینده‌ایران در سازمـان ملل متحد، در واقع گفته‌اند که اگر محمدرضا بیمار است، حرفی نیست و سپس ابراز امیدواری وعلاقه‌کرده‌اند، که‌اگر بیمار است، شفا یابد تا به ایران بیاید ومحاکمه شود.

یك چنین‌موضعگیری‌حیرتـ انگیز این سئوال‌را برمیانگیزد که،کجای‌کارما لنك است، چراما نمیتوانیم بادولت امریکا، دستگاه سیاسی واعمال قدرت امپریالیسم امریکا،این غدارترین دشمن‌خلق ما ـ ازموضع یك‌دولت مستقل و مطمئن به خود، از موضع دولت نظام نوین جمهوری‌اسلامی‌ایران از موضع طلبکارانه،بدهکار، سخن گوئیم؟ این گردن کج در برابر امپریالیسم بـی‌شرم امریکا برای چیست؟

ما بنام مردم ایران، بنام مستضعفان غـارت شده ، بنام شهیـدان بیشمـار ، از دولت می‌طلبیم کـه رسماً از دولت امریکا استرداد محمدرضا را بطلبد.

تکذیب

آقای مهدی یزدانیان خبر «ثروتمندمعروف ۷۰۰هزارتومان وام گرفت»،مندرج‌در«مردم»،مورخ اول‌آبان ماه راتکذیب کرده‌است.

«مردم» بنوبه خود درباره این‌خبر تحقیق‌خودرا ادامه‌خواهدداد.

یاباید بمردم تکیه کنیم‌یابسرنیزه‌و امپریالیسم

بایستی توجه به مردم داشته باشید، ضرورت تکیه به مردم، دادن قدرت وحکومت به مردم، یا ما بایستی به مردم تکیه‌کنیم یا به سرنیزه و امپریالیسم، راه دیگری نیست.بخاطر مبارزه با سیستم بوروکراسی نظـام طاغوتی،ضرورت درتکیه‌برمردم است. این دولت ۳۳درصد درآمدناخالص ملی‌را بخود اختصاص داده است.

خطراتی انقلاب ما را تهدید میکند و زنك خطر بصدا درآمده است. برای جمهوری اسلامی بیست و دومیلیون نفر رأی دادند، بـرای مجلس‌خبرگان۱۰میلیون. چرا؟ مردم معتقد به حکومت مردمند،حکومت توسط مردم نه حکومت برای مردم و بر مردم، بلکه خودشان می‌خواهند حکومتشان را دردست بگیرند نه(خبره) ، ۱۲میلیون در ایـن انتخابات خبرگان کمتر شرکت کردند. مسئله شوراها مطرح شد، به مردم آگاهـی ندادند. راجع به‌شوراهابایستی‌بیشترصحبت میشد، بایستی به مردم‌میگفتند شوراها بازوی‌کمکی دولت نیست ـ این‌شوراها یعنی‌حکومت توسط‌مردم‌ـ دریك شهرصدهزارنفری درانتخابات شوراهای شهر شرکت کردند، بقولی ۱۲درصد مردم شرکت کردند. این علامت دلسردی و این زنك خطر است. (دکترعسگری ـ انقلاب اسلامی، ۲۹مهر)

در مطبوعات کشور

راه‌حل سیاسی و رسیدگی به خواستهای بحق مردم کرد، درمان دردهای واقعی است

دولت درهفته‌گذشته باهمه تحریکاتی که‌مانع‌ازحل‌بحران‌کردستان‌ازراه‌سیاسی میشد،گام بزرگی را برای‌برگرداندن آرامش به این منطقه‌ازکشور برداشت.

گامی‌که بهرحال نشان داد علیرغم گروههای فشاری‌که‌معتقدبه شدت‌عمل‌در کردستان هستند، راه‌حل‌سیاسی‌ورسیدگی به خواستهای بـــه حق مردم کرد درمان دردهای واقعی است.

زیـرا در شرایط‌کنونی و بحرانی مملکت بیش ازهرزمان نیازبـه وحدت ملی احساس می‌شودوازسوئی نبایدچنین تصوری پیش آیـدکه ارتش و نیروهای انتظامی در کردستـان مقـابل دشمن ایستاده‌اند.کردستان ازآن ایران وکرد ایرانی‌است وهرگونه‌شدت‌عمل‌بزرگترین لطمه رابه‌وحدت ملی‌واستقلال‌کشوروارد خواهدکرد.

درطول مذاکرات‌که‌جسته وگریخته ثمربخش‌وامیدآفرین‌احساس‌می‌شدفرمان آتش‌بس ازسوی رهبران سیاسی ومذهبی کردستان، برغم توطئه‌هـائی‌کـه آشکارا صورت گرفت،نشان‌ازاعتقادعمیق‌هم‌میهنان کرد بـرای حل مشکل منطقه ازطریق گفتگوهای سیاسی داشت.

(اتحاد بزرك ـ اول آبان)

قانون اساسی ایران باید با تلاش انقلاب ضد امپریالیستی و دموکراتیک و جهان این باشد

یك فرد مسلمان درباره «مردم» اظهار نظر میکند

حزب توده‌ها

حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر است، حزب توده‌هاست، حزب مردم رنجدیده و زحمتکش است، حزب میهن‌دوستان‌وآزادی ـ خواهان واقعی است. این گزاف‌نیست. ۳۸سال تاریخ پرتلاطم این‌حزب گواه این مدعاست.

تنها حزبی‌که در تاریخ کشورما توانست به‌قلوب مردم دست یابد، آنهارا ازندای‌اتحاد وهمبستگی ومبارزه بخاطرآرمان های والای انسانی ملهم سازد و متشکل‌کند، حزب توده ایران بوده است.

حزب توده ایران مستادی اتحاد ویگانگی و دشمن تفرقه وجداسازی مصنوعی مردم بوده است. در ۳۸سال تاریخ‌پرافتخار خود، مشی حزب توده ایران، یگانگی ونزدیك ساختن نیرو های ضدامپریالیست وعلاقمند به سعادت ونیکبختی مردم،صرفنظر ازهرگونه اعتقاد سیاسی، مسلکی ومذهبی‌آنها بوده است.دردوران انقلاب بزرك ایران،بودندکسانی که مشی حزب توده ایران را «سازشکارانه»، «فرصت طلبانه» و «تاکتیکی» خواندند. بودند کسانی که به اتکاء پیشداوریها و تبلیغات خصمانه‌ای‌که ۳۸ سال رژیم منفور شاه دراذهان آنان رسوخ داده بود، حزب‌توده ایران رامورد حمله قرار میدادند. ولی خورشید درپرتوزمانی درزیر ابر پنهان نخواهد ماند. نهال کوششهای صادقانه و پیگیرحزب مادرنزدیك ساختن نیروها، از مسلمانان صادق، میهن‌پرست و پیرو راه مستضعفین گرفته تا مبارزان صادق راه طبقه‌کارگر، اندك اندك قد میکشد، شکوفه میدهدوشکوفه‌ها به‌میوه‌می‌نشینند. مردم، اعم ازمذهبی و غیرمذهبی بسخن حزب‌ماگوش‌فرا میدهند، صحت رهنمودهای آنرا درحل معضلات اجتماعی‌تجربه میکنند، آنرا ازخود میدانند ودست‌یاری وهمدردی آنرا میفشارند.

نامه‌زیرین نمونه‌ای است از ثمرآفرینی‌کوششهای بیدریغ و صادقانه‌حزب ما،

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

سلام و درود فراوان به گردانندگان پرتجربه و فهیم روزنامه محترم مردم

از انتشار مجدد روزنامه محترم مردم خوشحال شدم وبهمه شما تبریك میگویم. اینجانب‌یك فرد مسلمان‌معتقدوایرانی‌متعصب هستم.دردفتر موسسه‌ای که‌کارمیکنم یکی‌ازهمکارانم بنام آقای‌یزدانی اهل‌بندرانزلی‌که از توده‌ایهای قدیم است روزنامه محترم مردم را میخرد و منهم طبق رویه‌ام روزنامه جمهوری‌اسلامی‌رامیخرم امامن‌که روزنامه‌مردم رامیخوانم از انتقادهای بجا ودوستانه و وطن‌پرستانه شما محظوظ میشوم و به‌گردانندگان و نویسندگان پرتجربه ووطن‌پرست حزب توده ایران و روزنامه مردم درود میفرستم و عرض میکنم‌که همه خوب و بد را نمیز میدهند(سه روزنامه خائن‌وکثیف‌آیندگان و پیغام‌امروز و آهنگر خیانت و تحریك میکردند) اما روزنامه وزین مردم دوستانه انتقاد میکند بی‌جهت نبوده و نیست که سران جمهوری‌اسلامی اجازه انتشارروزنامه را داده‌اند قلم من ناتوانست که بتواند مکنونات وسپاسگزاری خویش‌را از مطالب جالب و انتقادهای دوستانه روزنامه مردم شرح دهد روزنامه را از این پس بااینکه یك توده‌ای فعلا نیستم میخرم و انشاءالله تاسربرج برای انتشار روزنامه کمك مالی خواهم‌کرد . اگر این‌شیوه‌امروزی روزنامه‌را ادامه بدهید دیری نمی‌پاید که اشخاص زیادی را به‌حزب‌خویش میکشانید و علاقمند میسازید و این‌کار چیزی غیراز پرتجربگی ودانش زیاد سران‌حزب‌توده‌نیست و امید است‌که‌موفق‌ودرراه سر ـ بلندی ایران کوشا باشید.

کراراً درود فراوان من به سران و گردانندگان روزنامه وزین مردم‌ازجمله‌استاد**کیانوری** باد .

در راه سربلندی ایران و هدف‌پردانش خویش موفق باشید
۲۲ر۷ر۱۳۵۸

جواد جمشیدی

اخبار هفتگی

در روستای ثمرین (اردبیل)

روستای ثمرین، که تقریباً در۲۲ کیلومتری غرب اردبیل واقع شده، با جمعیتی درحدود پنج‌هزارنفر ، یکی‌از وسیعترین روستاهای استان آذربایجان شرقی محسوب میشود . بیشتر اراضی این روستا آبی است،ولی‌بعلت کمی آب، این‌روستا هرساله شاهد نزاع وکشمکش وحتی دادن تلفات است .

نفوذ دلالان غارتگر وعدم وجود شرکتهای تعاونی تولیدو مصرف (البته‌یك‌شرکت تعاونی ازقبل‌وجوددارد، ولی عملا‌بمصرف است) اهالی این روستا را بجان آورده است. دلالان عدس‌را، که یکی از عمده محصولات این روستا بشمار میرود، از قرار کیلویی ۳۰ریال ازدهقانان‌میخرند وازقرارکیلویی ۹۰ریال بدست‌مصرف کننده میرسانند. با اینکه ثمرین دارای اراضی حاصلخیزی است، اما متاسفانه عدم وجود امکانات کشت، کمبودآب و وسائل مکانیزه وبسیاری ازمصائب دیگر، باعث شده است‌که اکثر اراضی بایر بمانند. عمده محصولات این روستارا گندم، جو، عدس وگاودانه تشکیل میدهند وهمچنین دامداری نیز در این روستا رواج دارد. چنانکه‌هرخانواده برای‌خودیك‌گاو شیرده دارد، ولی چون‌دهقانان آشنائی‌کافی با اصول دامداری ندارند نمیتوانند موازین بهداشتی را رعایت کنند وبازده آن‌کم است. ازنظر بهداشت اهالی واقعادر مضیقه هستند، بنحوی‌که در روستای به‌این‌وسعت، تا این اواخریك باب حمام ساخته شده، که‌آنهم درحال‌حاضر تعطیل است‌وهستند افرادی‌که هرسه‌ماه یکبار استحمام می‌کنند. دراین روستا فقط یکدستگاه «درمانگاه اجتماعی» دائر است، که تازه‌گاهی اوقات پزشك هست وگاهی نیست.

خلاصه‌کلام، کمبود آب‌لوله‌کشی، برق، مشکل‌راه، نبودن شرایط بهداشتی‌وعدم‌توجه‌مقامات‌مسئول‌باعث دامن زدن‌به‌کوچ‌هرچه بیشتر اهالی این روستا شده، چنانکه هرسال ۲۰الی ۳۰خانوار، سرگردان‌شدن‌درتهران‌را به‌زندگی‌درخانه‌وکاشانه‌خویش‌ترجیح‌میدهند.

اخبار کارگری

تشکیل سندیکای کارکنان وکارگران شرکتهای حمل و نقل و بازرگانی وحق‌العمل کاری تبریز

روز یکشنبه ۵۸/۷/۱۵ ، ساعت ۶ بعدازظهر، جلسه‌ای با شرکت ۵۸ نفر از کارکنان و کارگران شرکتهای حمل و نقل و بازرگانی وحق‌العملکاری تبریز باحضور نماینده اداره‌کار در محل سالن غذاخوری خوابگاه ورزشکاران استادیوم ورزشی تختی برگزار شد .

جلسات ساعت ۶و۴۰ دقیقه باخوش‌آمدگویی واشاره‌ای به اتحاد اقشار مختلف مردم در انقلاب اخیرکشور توسط یکی از اعضای هیئت مؤسس سندیکا رسمیت یافت. سپس دونفر دیگر از هیئت موسس سندیکا درباره فلسفه وجودی سندیکا و نقشی‌که میتواند درمبارزه طبقاتی بین‌کارگر وکارفرما داشته باشد، سخن گفتند. آنان یادآور شدندکه‌کارگران باتشکل در سندیکا، اتحادیه وبالاخره فدراسیون درمقابل سرمایه‌داران بصلاح اتحاد میلیونها کارگر در سراسرکشور مجهز می‌شوند. آنها اشاره‌ای به‌نقش اتحاد در انقلاب اخیر ایران‌کردند ونتیجه‌گیری نمودندکه‌کارگران نیز بااتحاد و یکپارچگی خود میتوانند پشت سرمایه‌داران را بخاك بمالند .

آنگاه نماینده اداره‌کار سخنانی درباره سندیکا درکل و اساسنامه آن و وظایف اعضاء وهمچنین وظایف هیئت مدیره،هیئت بازرسی وهیئت داوری سخن‌گفت. وی از حاضرین خواست‌که از نمایندگان منتخب خویش پشتیبانی‌کنند ودرهیچ زمینه‌ای‌آنها را تنها نگذارند، چون سندیکا بدون پشتیبانی کارگران هیچ قدرتی نخواهد داشت. وی ازجمع تقاضا کردکه از این ببعد خواستهای خودرا ازطریق سندیکا مطرح‌کنند. اوگفت، هرچه حمایت شما از سندیکا بیشتر باشد، سندیکا درکارهایش بیشترموفق خواهد شد.بعد هیئت نظارت برانتخابات مرکب از۵نفر انتخاب‌شدند تابرجریان رای‌گیری نظارت داشته باشند. بدین ترتیب بامعرفی کاندیداهای کارگران رای‌گیری شروع شد واعضای هیئت مدیره وهیئت‌بازرسی انتخاب شدند. درآخر، نماینده اداره‌کار موفقیت‌کارگران‌را آرزو کرد و خواستار اتحادویکپارچگی آنان شد و دوباره برپشتیبانی همه‌جانبه‌کارگران ازنمایندگان انتخابی خویش تاکیدکرد.

۳۰۰ ریال دستمزد روزانه کارگران شرکت دلاور

شرکت پیمانکاری دلاور، متخصص ساختن سیلوهای گندم‌در ایران‌است، که‌کلیه‌آن‌زیرنظر مهندسین‌اتحادشوروی ساخته‌میشوند. مسئولین امراز طرز کارآنها اظهار رضایت کرده‌اند.

ساختمان یکی از این سیلوها درکرج روبه‌پایان است . در ساختن این‌سیلو ۱۲۰ کارگر وکارمند به‌کار اشتغال دارند، که به خاطرسودجوئی بیش‌از اندازه مدیران این شرکت، دروضع بسیار بدی بسر میبرند. مثلا حقوق‌کارگران، پس‌از انقلاب ودستوراخیر وزارت‌کار، در مواردی‌با تمام مزایا به روزی ۵۶۷ ریال میرسد و درهمین‌شرکت‌تعداد کارگرانی‌که روزانه۳۰۰ ریال‌حقوق‌میگیرند، کم نیستند.ماازوزارت‌کار جداً میخواهیم‌که به‌وضع‌پریشان‌کارگران این شرکت رسیدگی کند.

درکارخانه«هاویلوکس»

در تاریخ۱۹ مهرماه، یك‌نفراز اعضای شورای این‌کارخانه به‌قصد خریدن مواد اولیه وافشاگری کارفرما بمچلفارفت وملاحظه کرد که‌مواد اولیه این‌کارخانه درچلفا به‌اندازه کافی موجود است. در نتیجه این افشاگری،اعضای‌شورا به‌کارفرما، به‌خاطر اینکه‌دفتر مرکزی را دربیرون ازکارخانه دایرکرده است واجناس را درآنجا به فروش میرساند، اخطارکردندو به‌او تذکر دادندکه تاوقتی که دفتر مرکزی بـه داخل کارخانه انتقال داده است ، به هیچ عنوان جنسی ازکارخانه خارج نخواهد شد ، زیرا اعضاء شورا میخواهند از مقداردقیق فروش‌کارخانه مطلع باشند، تا میزان واقعی‌سودآنان معلوم گردد.

کارگران شماره۲ ایرانیت با علاقه‌مندی راه صرفه‌جوئی را هم نشان میدهند

درخواستهای کارکنان‌کارخانه شماره ۲ ازشرکت سهامی عام ایرانیت:

۱ـ موضوع حقوق مطابق جدول پیشنهادی بادرنظرگرفتن حداقل ۲۵۰۰۰ ریال وحداکثر ۱۵۰۰۰۰ ریال،

۲ـ پرداخت وقت تلف‌شده وبون‌راه بمیزان روزی‌یك‌ساعت (موردقبول بیمه‌های اجتماعی)،

۳ـ برابری حق‌مسکن وخواربارکارکنان‌کارخانه شماره ۲ باکارخانه شماره۱ومنطقه. مبلغ حق‌مسکن ۵۰۰۰ ریال وخواربار ۱۵۰۰ ریال،

۴ـ برابری عیدی سالیانه کارمندان وکارگران بمأخذ یك ماه حقوق،

۵ـ افزایش مرخصی سالیانـه کارگران بمیزان ۳۰ روز، معادل‌کارمندان،

۶ـ پرداخت حقوق‌کارمندان بمأخذ ۳۱روز درماههای ۳۱ روزه،معادل‌کارگران،

۷ـ راههای سرفه‌جوئی درکارخانه،
الف ـ کم‌کردن ضایعات
ب ـ تقلیل حداکثر حقوق
ج ـ تعمیرات ونوسازی
د ـ سازمان صحیح
ر ـ جابجائی‌کارکنان.

برخورد منطقی بادیپلمه‌های بیکار

درحالیکه در بسیاری از شهرها عواملی نامعلوم ومشکوك درداخل‌بیکاران وخارج‌ازبیکاران، میکوشند از این مسئلـه بفرنج اجتماعی سوءاستفاده‌کنند وفاجعه بیافرینند،دربرخی‌شهرها بااین‌مشکل بطریقی معقول برخورد میشود و در زمینه رفع بیکاری و تولیدکار پیشنهادهای عملی ارائه میگردد. ازجمله در شهر لاهیجان، پس از مصادره‌اموال یکی ازسپردگان رژیم شاه، «هوشنك نهاوندی»، فرماندار این شهرستان اعلام داشت،

حدود پنجاه هکتاراززمین‌های‌نهاوندی‌در روستای‌بیجار بنه، پس‌از بررسی گروهی‌ازکارشناسان، به‌امرخانه‌سازی واجرای‌طرحهای مرغداری وصیفی‌کاری و چایکاری اختصاص داده خواهد شد . ضمناً چنانچه دیپلمه‌های بیکارباتشکیل شرکتهای تعاونـی بما مراجعه کنند، مقداری از این زمینهارا برای اجرای طرحهای‌کشاورزی دراختیار آنان خواهیم گذاشت‌و از بانك‌کشاورزی نیز درخواست خواهیم‌کردکه‌دراین‌زمینه‌جوانان را یاری دهد.

این خبر نشان میدهد کـه با برخوردمعقول‌ودلسوزانه‌به‌مسئله بیکاری، هم‌میتوان بتدریج لااقل ازحاد بودن آن‌کاست وهم جلوی سوءاستفاده ضد انقلاب و عناصر نامعلوم ومشکوك راگرفت.

تصحیح و پوزش

درشماره۱ ۷روزنامه «مردم» خبری در مورد درگیری دوگروه از روستائیان بـه تحریك مالك روستا درروستای قومشه درج‌شده بود،که نام مالك‌به اشتباه‌کزازی ذکرشده بود. بـا پوزش متذکر میشویم‌که نام‌صحیح مالك‌روستای قومشه حـاج حسین بهروش بوده است.

تادیر نشده‌اقتصاد ایران رادریابیم

بقیه ازصفحه ۱

این دوخصیصه، یعنی پیوند سرمایه‌داری‌ایران با سرمایه‌داری بزرك جهانی (امپریالیسم) و پیونـد سرمایه‌داری ایـران بـا سلطنت و اشرافیت ومالکین (فئودالیسم)،که موجب مسخ و ضعف این سرمایه‌داری شد، مهر ونشان خود را برتمام تاریخ آن‌گذاشته است و در ایران یك سرمایه‌داری وابسته، مصرفی،انگل ـ صفت و دارای مبانی سست ازجهت فنی وعلمی بوجود آورده است.

درکنار این دوخصیصه، بایدگفت که‌سرمایه‌داری ایران در رابطه با نفت وسیاست نفت امپریالیستی در ایران، در رابطه با نظامیگری ومصرف شدید نظامی، در رابطه با بورس بازی زمین درشهر وده، در رابطه‌با ضعف‌کار تولیدی وگسترش بی‌اندازه‌کار غیرتولیدی و تمدن مصرفی وتوسعه عظیم بخش خدمات، تکامل خاص خود را طی‌کرده‌است. همراه عوامل یادشده، رشدسریع نفوس درشهرها ودرجامعه سرمایه‌داری ایران نیزعمیق شدن فاصله فقروثروت واختلاف سطح زندگی‌وتمدن‌را تشدیدکرده‌است.

سیرعادی و سالم سرمایه‌داری قاعدتا میبایست چنین باشدکه سرمایه‌برائی وبازرگانی‌قرون وسطائی، بتدریج ومتناسب با انباشت خود، جا را برای‌پیدایش وگسترش سرمایه صنعتی وسپس مالی باز کند. صنعت، موافق اسلوب صنعتی‌شدن سرمایه‌داری، باید از صنایع سبك آغازگردد وبه صنایع سنگین بیانجامد و ساخت منظم خود را درهمه رشته‌های صنایع استخراجی،ماشین سازی وکالاسازی بوجود آورد.

خدمات باید موازی باتکامل تولید بسط‌یابد. کشاورزی باید ازقید ارباب ـ رعیتی خلاص گرددو به‌کشاورزی پربار،که به‌صنعت وخدمات‌کمك‌رساند، تبدیل شود.

ولی این سیرعادی و سالم سرمایـه‌داری در کشورما عملی نشد. صنعتی کردن، بمعنای واقعی این کلمه، از زمان امیرکبیر و در دورانهای بعد به‌عقب رانده شد. صنعت در دوران رضاپهلوی از چند موسسه کوچك صنایع سبك تجاوز نکرد. در زمان محمدرضا پهلوی کار در جاده پیدایش صنایع پراکنده کـوچك (بیش از ۱۳هزار واحد صنعتی)افتادکه درائرشکل‌گیری یك‌جامعه مصرفی وبسط بی‌اندازه انواع‌خدمات (خـدمات اتومبیل ، مسکن، تغذیه، بهداشت، تفریح، آموزش، حمل و نقل، یدکی‌سازی، مسافـرت و غیره) پدید شده بود. صنعت‌هم چنین، باالهام ازامپریالیسم، درجاده صنایع مونتاژ افتاد.اکثر ۸۲۰۰ واحدصنعتی بزرك ایران خصلت مونتاژ داشتند. ۷۰درصدمحصولات ساخته شده درون‌کشور قطعات یدکی ومواد اولیه خود را وارد میکردند.

برخیها میگویند : صنایع مونتاژ «فی‌حدذاته» شرمحض نیست ومیتواند آغاز صنعتی شدن‌کشورباشد. آری، صنایع مونتاژ،درصورتی‌که‌زمینه‌ای‌برای‌گسترش **صنایع قائم بالذات** ومستقل می‌بود، میتوانست‌برای زمانی و دورانی قابل تحمل باشد . ولی دولت وابسته شاه مخلوع دارای یك برنامه‌ریزی ملی برای صنعتی کردن‌کشورما نبود و حتی از قبول یـاری‌کشورهـای سوسیالیستی ابا داشت و رضایت‌ارباب امپریالیست و سودآنی هدفهای‌آن بود. ۹۷درصد صادرات ایران،از جهت ارزش، نفت بود وقریب ۶۰درصد واردات ایران درسالهای اخیر کالاهای واسطه‌ای بودند،که بـه صنایع مونتاژ بستگی داشت! نمودارهای ناسالم بـودن عمیق یك اقتصاد.

امپریالیسم بادادن خصلت مونتاژی‌به‌صنایع‌ما، علاوه برهدفهای‌دیگر، میخواست وابستگی فنی‌وصنعتی ما را بخود نگاه دارد و اکنون، پس از انقلاب،کـه امپریالیسم دست به محاصره اقتصادی زده، خطرات و عواقب شوم این وضع درحال ظهوراست.

برخی میگویند، صنایع مونتاژداشت‌دراطراف خود هاله‌ای ازیدکی‌سازی پدید می‌آورد ودر اثرمنطق درونی خود بسوی صنایع قائم بـالذات میرفت. ایـن مطلب فقط بشکل بسیارنسبی ومحدود آن صحیح است‌و تازه هیچگونه توجیهی برای مونتاژگرائی رژیم‌گذشته که نتیجه قبول «تقسیم‌کار بین‌المللی نواستعماری» بود، نیست. اینکه اگرجامعه‌گذشته تادهها سـال دیگرادامه میافت، احیاناً جبرزمانه وضرورتها، برخی‌صنایع راتا حد رشته‌های منظم و دارای ساختار (ستروکتور) رشد میداد، فقط روایتگر تاثیرجبری عوامل تاریخی است. سیاست آگاهانه رژیم‌گذشته ایـن نبود. لذا انتقاد از مونتاژگرایی رژیم‌گذشته، مبادی منطقی جدی خود را حفظ میکند ونمیتوان ونباید آنرا توجیه‌کرد.

ولی این بدان معنی نیست‌کـه این صنایع را بایداکنون **نادیده‌گرفت ویا بـاید بدورانداخت.** توجه به‌همه واحدهای بزرك وکوچك صنعتی‌برای‌رژیم انقلابی یك وظیفه درجه اول است. انحراف اقتصادی خطرناکی است اگرکسی اقتصـاد را تنها در «مکتب» بمعنای قرون وسطائی‌آن، وفعالیتهای تجاری‌وتوزیعی یا ملکداری سنتی خلاصه‌کندوجهت عمده، یعنی **تولید صنعتی** را نادیده‌گذارد. انحراف بزرگی است‌اگرکسی بازگشت به تولید صفرواقتصاد دهقـانی مرتاضانه را بعنوان قسط وعدل بخواهد به جامعه تحمیل‌کند. این نوع «گاندیسم» ایرانی آینده‌ای نخواهد داشت.

هیچ اقتصادی بدون پایه تولیدی محکـم صنعتی نمیتواند رشدکند وآنچه درایران موجود است، باهمه نقص وابستگی آن،باید موافق‌برنامه سنجیده‌ودورنما ـ داری حفظ‌شود وگسترش یابد وباید همه مـکانیسم‌های لازم (ازجهت‌تامین، موادخام ، یدکی، اعتبارات، وام، بازارفروش، مدیریت وغیره) برای‌چنین‌حفظ‌وگسترشی بوجـودآید، البته بااحتساب**منافع‌مردم** و نـه منافع خودخواهانه سرمایه‌داران .

برای آنکه روشن‌شودکه طـی‌شصت‌سال سلطه خانواده دلال وچاکرصفت‌پهلوی چگونه وظیفه حیاتی صنعتی‌شدن‌کشور در بوته اجمال‌ماند،کافی است بگوئیم که اکنون **سرانه‌تولیدآهن** وفولاد در داخل‌کشوراز ۱۵کیلوگرم تجاوز نمیکند وازاین‌جهت ایـران یکی **ازعقب‌مانده‌ترین کشورهاست**، کشوری‌که‌میتوانست درردیف‌کشورهای درجه اول صنعتی دنیا باشد. بدون صنعت بنیادی‌ومادر پولاد وسپس‌صنایع‌دستگاه‌وماشین‌ـ سازی،کشورما قادرنیست صنعتی‌شود ما نمیتوانیم‌وحق نداریم ازراهی‌که بشریت می‌پیماید وپیموده است، جدا شویم،چنین‌جدا شدنی‌خیالبافی‌است‌و محکوم بشکست .

برخی‌ها میگویند، درتکامل اقتصادی ایران‌اولویت را باید بکشاورزی داد . ذره‌ای تردید نیست‌کـه باید کشاورزی ایران‌را ازوضع رقت‌بارش،که سالانه یـك میلیارد وهفتصد میلیون دلار محصول وارد میکرد (!) رهاساخت وآنـرا بسوی خودکفایی بـرد. کارشناسان کشورهای سوسیالیستی (وبویژه‌اتحادشوروی) صـریحاً گفتندکه تامین‌آب در ایران برای نیازهای صنعتی و کشاورزی امری شدنی است.براساس این‌قضاوت‌معتبر، تعقیب سیاست‌خودکفائی درکشاورزی‌کاربجایی‌است،ولی چه‌کسی‌گفته‌است‌که خودکفاسازی کشاورزی،یعنی عدم توجه به‌صنعتی‌کردن‌کشور، که **شرط اساسی و حیاتی** تکامل آتی‌آنست؟!

امری که نگرانی‌آور است، وجـود نظریات درهم وفقدان شفافیت تحلیل و تفکر وقضاوت در امور اقتصادی در محافل‌حاکمه دوران پس از انقلاب‌است. اگر اقداماتی جدی وفوری‌صورت نگیرد،فلج وهرج ـ و مرج اقتصادی در پیش روی ماست، یعنی آنچه کـه امپریالیسم وبورژوازی ایران خواستارآن هستند. این **افزار عمده** خرابکاری آنها علیه انقلاب است.

انقلاب‌چه میخواهد بکند؟ امیداست‌که‌درباره مسائل حاد، اندیشه‌های فرزانه‌ای وجود داشته باشدکه اثرات وضعی خود را در ماههای نزدیك هویدا سازد ، زیرا وقت تنك است وزمان درنك را برنمیتابد.

نسج ناسالم اقتصاد سرمایه‌داری ایـران، اگر خردمندانه مداوا نشود، میتواند انقلاب را بپوساند و بسوی شکست ببرد. ریشه‌های مفسده عمیق است.درمان ودگرساختن‌آسان‌نیست. وحدت‌اراده وعمل،سازماندهی نقشه‌های دراز مدت وکوتاه مدت‌که درعمل اصلاح‌شود، مدیریت صحیح، استفاده از کارشناسان، برخورد محتاط به منافع **قشرعظیم متوسط**، که «رفاه نفت» و«کارغیر ـ مولد» و«زندگی‌مصرفی» و«اعتلاء فواره‌وار» و«حقوق‌و مزایای هنگفت» آنها را راحت‌پسند و خودخـواه و فزون‌طلب ساخته... همه وهمه ضروراست. اصلاح‌کشور ما الکو بردارنیست. دراینجا باید با تفکر مخترع و خلاق عمل‌کرد و درعین‌حال ازآزمـون فنی دیگران بهره‌گرفت.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیك ایران در جبهه متحد خلق.

حجت‌الاسلام دکتر محمد مجتهد شبستری:

در اتحاد جماهیر شوروی

تبعیض مسلمان وغیرمسلمان احساس نکردیم

اگر از لحاظ عدالت اقتصادی حساب کنید، اگر عدالت اجتماعی رادرعدالت اقتصادی معنا کنید، آنها (اتحادجماهیر شوروی) شبیه‌ترهستند به اسلام.

حجت‌الاسلام‌دکترمجتهد شبستری‌درگفتگوئی باروزنامه اطلاعات تجربیات خود را در زمینهٔ مسافرت به اتحاد شوروی و شرکت درکنفرانس بین‌المللی مسلمانان بیان نمود. او در مورد کنفرانس اسلامی، مسلمانان شوروی و موقعیت آنها در جامعهٔ شوروی گفت:

● «این کنفرانس بین‌المللی‌ازسوی مسلمانان شوروی برگزارشدونمایندگان سی‌کشور و موسسه اسلامی جهان برای شرکت در این کنفرانس دعوت شده‌بودند. مجموع اقامت‌ما دراتحاد جماهیرشوروی ده روزطول کشید. ودراین مدت‌با افراد وگروههائی ازمسلمانان شوروی تماس داشتیم. کنفرانسی‌که ما در آن شرکت کردیم، اولین کنفرانس نبود، بلکه چندمین کنفرانس ازاین قبیل بودکه در سال‌های اخیر در این‌کشوربرگزار شده است وسال آینده هم‌کنفرانسی دراجلاس وسیعتری درهمانجا برگزار خواهد شد.

اینکه مسلمانان شوروی، این امکان را پیداکرده‌اند ازمسلمانان‌کشورهای‌دیگر دعوت‌کنند، باتوجه به افکارگوناگونی‌که دراتحاد جماهیر شوروی باهم برخورد می‌کنند ودرحالیکه فکرها، مکتب‌ها و تزهای‌اقتصادی،اجتماعی‌وسیاسی‌گوناگون‌در آنجا مطرح می‌شود، دلیل براین‌است‌که مسلمانان‌اتحاد جماهیرشوروی‌درسالهای اخیر از آزادی‌های بیشتری برخوردار شده‌اند. وضع مسلمانان شوروی ازلحاظ بهره‌مندی ازامکانات اقتصادی، اجتماعی تفاوتی باملیت‌های دیگرشوروی ندارد. یعنی ما دراتحاد جماهیر شوروی تبعیض مسلمان وغیرمسلمان احساس‌نکردیم...

اینکه می‌گویم ما تفاوتی احساس نکردیم و فرقی ندیدیم ، اظهارنظر خود مسلمانان اتحادجماهیرشوروی است،خود آنان می‌گفتند که در اینجا بعنوان دین تبعیض نیست. خود مسلمانان شوروی در صحبت باما می‌گفتند که هیچ‌گونه فشاری ازاین‌نظرکه مامسلمان هستیم، برما وارد نمی‌شود وازاین‌نظر تبعیضی نداریم...

این مساله قابل توجه است‌که در قانون اساسی ۱۹۷۷ شوروی آمده است که، «اداره امورکلی‌کشور و تعیین خطو مشی برای‌کشور در دست حزب‌کمونیست خواهد بود...

... ولی این بدان معنا نیست‌که به ملیت‌ها ویاپیروان ادیان‌گوناگون هیچ‌گونه آزادی دراتحاد جماهیرشوروی‌داده نشده باشد. یاآن‌ها را مجبورکندکه‌تنها به‌یك‌نوع جهان‌بینی خاص فکر کنند. ما چنین‌فشاروچنین تحمیلی درآنجااحساس نکردیم البته این‌هم هست‌که درمدارس اتحاد جماهیرشوروی ماده‌ای بنام تعالیم دینی تدریس نمی‌شود، ولی افراد آزاد هستندکه علوم دینی یادبگیرند،مسلمانان کودکان‌خودرا به‌مکتب‌خانه‌های دینی‌که درخانه‌ها تشکیل می‌شود می‌فرستند تااز طریق‌کسانی‌که اطلاعات ومعلومات دینی دارند درس عقیده واصول بیاموزند...

دراین‌کنفرانس یکی ازبرنامه‌های ما بازدید از مدرسه «میرعرب» در شهر بخارا بود،که دراین مدرسه بین شصت الی هفتاد نفر محصل علوم دینی درس می‌خوانند. این مدرسه ازلحاظ برنامه و از لحاظ مالی کاملا مستقل است، اساساً اجتماعات مذهبی مسلمانان شوروی و بودجه‌های تبلیغاتی‌شان از جمله بودجه کنفرانسی‌که ما درآن شرکت‌کرده بودیم و بودجه‌ای‌که صرف تحصیل طلاب علوم دینی میشود ، مستقل از دولت است و مسلمانان خوداین بودجه‌راتامین‌میکنند وبه‌چهار اداره روحانی در جمهوری‌های مسلمان‌نشین شوروی میدهند...

خود علمای دینی اتحاد جماهیر شوروی برنامه‌های مذهبی‌را طرح‌میکنند وطلاب طبق‌آن‌برنامه‌ها تحصیل‌مینمایند.

مواد درسی علوم دینی محصلین‌علوم دینی مسلمانان شوروی مقدارزیادی‌همان است‌که در مدارس علوم دینی‌کشورهای اسلامی ازجمله درحوزه‌های‌علمی‌کشورما تدریس میشود.

... آن‌ها مذهب‌را یك‌مساله فردی میدانند ومی‌گویندکه هرانسانی آزاد است معتقد به‌خدا باشد یانباشد، نمایش بکند یانکند. بنابر این افراد بشکل فردی آزاد هستند که‌مسیحی باشند یا مسلمان ویااصلادین‌نداشته باشند. بنظر میرسد که مردم ودولت اتحاد جماهیر شوروی‌این‌مساله‌رابین‌خود بشکلی حل کرده‌اند. یعنی عده قابل توجهی از مسلمانان شوروی یاپیروان ادیان دیگر درآنجااینطور فکرمیکنند که‌برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بطورکلی بدون الهام ازیك سلسله‌اصول مذهبی‌هم میتواند پیاده واجرا بشود و مذهب را منحصر به‌جنبه‌های فرهنگی‌آن درزندگی خود تعیین کرده‌اند. از این سوی‌مردم ودولت شوروی درمساله‌مذهب به‌یك تعادل دست یافته‌اند ونوعی‌بتوافق رسیده‌اند...»

حجت‌الاسلام شبستری در مورد عدالت اقتصادی و اجتماعی دراتحاد شوروی‌وتشابه آن باخواستهای انقلابی اسلام‌و نیزدرمورد راهی‌که‌اسلام انقلابی برای‌رفع‌ستم‌اقتصادی بایددرپیش‌بگیردگفت

● «دربازدیدهائی‌که‌ما ازکالخوزها کردیم‌وازبعضی‌موسسات صنعتی‌درشوروی چنین استنباط کردیم‌که در این نظام عدالت اقتصادی بهتراز دنیای سرمایه‌داری است.

بنابراین اگرشما نزدیکی‌راازاین نظر میگوئیدکه اسلام هم‌خواهان عدالت اقتصادی است برمبنای عشق و علاقه‌ای که به‌انسان دارد، ازاین لحاظ بنظر میرسدکه آن‌ها عدالت اقتصادی رامیان انسانها بهتر ازجهان «کاپیتالیسم» پیاده کرده‌اند...

چیزی‌که امروز دردنیا مطرح‌است مالکیت برابزارتولید است .مساله این استکه مالکیت بر ابزار تولید چگونه باید باشد، اصل‌واساس بحث‌ها دردنیای امروز این است والا، مثلامن خانه‌ای دارم‌که‌ازپدرم مانده‌است. مالك آن‌بشوم یانشوم ویامزرعه‌ای کوچك دارم‌که‌روی آن‌کار میکنم، مالك آن هستم‌یا نیستم، یامالك اتومبیلم‌هستم، یانه، اینهامسأله نیست. دردنیای امروزکسی‌روی‌مالکیت دراین‌حد حساسیت‌ندارد. ماحتی‌دراتحاد جماهیرشوروی‌دیدیم‌که هردهقانی‌مقداری زمین دراختیار دارد و میتواند درآنجا کارکند. مادیدیم‌که دهقانان محصولات اینگونه زمین‌ها راخود می‌آوردند ودر بازارها میفروختند، مخصوصاًدرقسمتهای جنوبی اتحاد جماهیر شوروی‌که مناطق حاصلخیزی است، ازبازارهای میوه‌دیدن کردیم. دهقانان محصولات خودشان‌را خودشان می‌فروختند. تااین‌حد مالکیت بحثی نیست. بحث‌درمالکیت ابزار تولید است. من‌ضمن مطالعاتی‌که دراسلام‌دارم، هیچ‌ندیدم قیدشودکه مالکیت‌ابزارتولید بایددر دست‌دولت‌باشدیابایدشخصی‌باشد. این‌اختیار دردست حکومت اسلامی‌است.

اگردرجامعه اسلامی،عقلا و زعمای قوم روزی تشخیص‌دادندکه « لاح دراین استکه مالکیت ابزارتولید دردست‌دولت باشد وملی اعلام‌شود، این‌کار میشود واز نظر اسلام هیچ‌مانعی وجود ندارد واسلام منعی ازآن‌نکرده است.اگرصلاح جامعه وامت در این بود که قسمتی از ابزار تولید درمالکیت‌بخش خصوصی وقسمتی دیگر در دست دولت‌باشد، بازهم خواهد شد، بنابراین‌مسأله امروزی ماین‌استکه گردانندگان جامعه و مسئولان امور با دقت و باتوجه بجوانب گوناگون مساله باید تشخیص دهند با وابستگی‌هائی که امروز مابسیستم‌های اقتصادی غربی و کشورهای غربی متاسفانه داریم، با فقر فوق‌العاده‌ای‌که درکشور ما برای قشر عظیمی ازمردم ماوجود دارد، بااین‌وضع که بیش ازهفتاد الی‌هشتاد درصداز مواد غذایی ما ازخارج وارد میشود، بخواهیم یك‌چنین جامعه‌را دگرگون‌کنیم‌و این وضع‌را ازبین ببریم، آیاباماندن‌مالکیت همه ابزارتولید یاقسمتی ازآن‌دربخش خصوصی، ایجاد عملی است‌یانه؟ بلکه چاره‌اش پیروی‌کردن ازیك‌نوع‌سوسیالیسم اقتصادی‌است. این‌را بایدعقلای‌قوم‌تشخیص دهند. اسلام منعی‌ازاینکارها نمی‌کند...

اما اینکه اسلام نزدیك است به‌این نظام یا آن نظام دیگر ، گفتم، اگر از لحاظ عدالت اقتصادی حساب‌کنید، اگر عدالت اجتماعی را درعدالت اقتصادی معنا کنید، آنها شبیه‌ترهستند به‌اسلام.»

حجت‌الاسلام شبستری در پاسخ به این‌سئوال که آیا جامعهٔ اسلامی بی‌طبقه خواهدبودیانه‌و توضیح‌مفهوم بی‌طبقه‌گفت،

● «بطورکلی دراین است‌که از نظراقتصادی این‌جامعه بی‌طبقه بشود. ولی‌عده‌ای می‌گویندکه این تعبیردرست نیست. درست نیست که گفته شود جامعه بی‌طبقه توحیدی. درحالیکه این تعبیربه آن‌معنادرست‌است‌که‌اسلام‌اجازه‌نمی‌دهددو طبقه رودرروی هم درجامعه وجود داشته باشد. یعنی اگر کسی به مفهوم طبقه در جامعه‌شناسی توجه کند این اشکال را نخواهد داشت. بنابراین‌جامعه توحیدی، طبقه نخواهدداشت. نه اینکه دراین‌جامعه تفاوت نخواهد بود . اینها طبقه را با تفاوت اشتباه می‌کنند . یعنی در جامعه بی‌طبقه‌توحیدی،تفاوت‌در بهره‌مندی‌است. ممکن است‌کسی از مواد غذائی و لباس‌وسایرامکانات‌زندگی‌بیشتر ازدیگری بهره‌مند بشود. ولی‌این، تفاوت نیست‌که طبقه می‌آفریند. طبقه درشرایط دیگری آفریده می‌شود . طبقه عبارت است از حاکمیت ومحکومیت عده‌ای برعده‌ای‌این دراسلام نفی‌شده‌است. اسلام نمی‌پذیردکه یك‌گروهی بنام طبقه اجتماعی درمعنای جامعه‌شناسی آن بوجود آیند و برطبقه دیگری باز به معنای جامعه‌شناسی آن حکومت‌کند ورابطه را برسلطه بگذارد. اما تفاوت چیز دیگری است‌که بموجب آن‌بهره‌مندی‌ها کمی باهم‌متفاوت‌هستند.»

دولت انقلابی باید فئودالیسم رابنفع دهقانان ریشه‌کن کند

همه‌روزه تعداد زیادی ازدهقانان وکشاورزانی که ازظلم وستم فئودالی به‌تنك آمده وامان ازآنها بریده شده است،ازنقاط مختلف استان فارس برای‌دادخواهی وبه‌کف آوردن حقوق پایمال شده خود ، به استانداری ودادگاه انقلاب شیراز مراجعه می‌کنند. این دهقانان، که‌ظاهر رنجکشیده‌شان نشانه تحمیل متمادی قرنها ستم‌بر آنهاست، اظهار میدارند که بعداز پیروزی‌انقلاب‌انتظار داشته ودارند که فشار و ظلم خوانین ، با تصویب قوانین عادلانه از گرده‌شان برداشته شود، تا فئودالهائیکه آنها را بخاك سیاه نشانده‌اند، نتوانند مانند گذشته خون دهقانان را به شیشه کنند .

آنها میگویند، چون دولت برنامه‌ای‌درجهت‌ریشه‌کنی‌خوانین ندارد، اینها مانند گذشته میدان را برای‌تاخت وتازوتجاوزمناسب دیده‌اندوتاآنجاکه میتوانندبرای به‌تناسب درآوردن زمینهای کشاورزان از زوروتزویروحتی کشتن‌دهقانان کوتاهی نمیکنند. نمونه‌های‌زیادی‌ازاین تلاش‌پوشیده وجنایتکارانه درروستاهای اطراف مرودشت، کوار، فیروزآباد، داراب، نورین، ممسنی‌وسایرنقاط استان‌فارس وجود داردکه‌تاکنون حتی برخی مقامات از استان. که درحسن‌نیتشان به‌زحمتکشان‌شکی نیست وجه در سخنرانیها، چه در انتشار بیانیه وجه دررسیدگی به شکایتها، بازورگوئی فئودالها مخالفت میکنند ، بخاطرآنکه دستشان دراثروجود قوانین‌ضد دهقانی‌گذشته بسته است، تاکنون نتوانسته‌اند اقدام موثری بنفع دهقانان بنمایند ، واختلاف و تضادها حادتر شده ودست‌اندازی وزورگوئی خوانین به دهقانان روبه‌فزونی است.

برای نمونه، اواخر سال گذشته، اهالی روستای ۳۰۰ خانواری‌ده‌چاه،درحوالی‌نورین، در گروههای سه‌تا۱۰ خانواری، به‌حفاری ۱۳ حلقه‌چاه و نصب تلمبه‌برای آبیاری وزراعت‌دشت وسیعی در مجاور ده، که‌متعلق‌به همه‌اهالی‌است، دست‌زده‌اند. هنوز بهره‌برداری‌ازتلمبه‌ها آغاز نگشته، سروکله فئودال ده ، که‌فردی‌بنام خزاعی ومالك دونهرقنات‌وسطح وسیعی از باغ ومزرعه و مقدار زیادی املاك ومستغلات درشهراز است (که همه آن حاصل سالها بهره‌کشی ازهمین دهقانان‌است)، پیدا شده است . وی اظهار کرده است‌که زمینهائی‌که دهقانان به روی آن تلمبه زده‌اند، متعلق به اوست واخطارکرده‌که یا باید دهقانان تلمبه‌ها را بردارند واز کشت زمینهامنصرف شوند، یاوی اقدام‌به‌تخریب وپرنمودن‌چاه‌های آب می‌نماید.

اهالی این روستا اظهار میدارند، احداث تلمبه برروی زمینهای‌وسیعی‌که سالها بلااستفاده مانده‌اند، کمکی‌است‌هم‌به‌انقلاب، تااحتیاج به‌واردکردن محصولات کشاورزی نداشته باشد ، وهم به بهبود وضع بد زندگی و بیکاری خودمان‌وما نمی‌دانیم‌که چرادولت باقاطعیت ازما وامثال‌مایشتیبانی نمیکند وشرخوانین‌ضدانقلابی‌را ازسرما وزمینهائیکه مابنفع خود و به‌نفع انقلاب برروی آن کار میکنیم، کوتاه نمی‌کند.

«مردم»
ارگان‌مرکزی
حزب تودهٔ ایران
نشانی،خیابان۱۶ آذرـشمارهٔ ۶۸
تلفن، ۹۳۳۴۵۹و۹۳۵۷۲۸
چاپ، کاویان

از کمکهای رفقا ودوستان‌سپاسگزاریم

بهرنك‌کوچولو	۵۰۰۰ریال	رخ	۱۰۰۰۰ «
ن. خدادادی	۵۰۰ «	مریم	۵۰۰ «
سینا	۱۰۰۰۰ «	غزاله	۵۰۰۰ «
کارگری ازآلمان‌فدرال بنام‌ح.خ	۲۰۰۰۰ «	کارگرسابق‌چیت‌سازی	۱۰۰۰ «
		خانم پروین ط.	۱۰۰۰ «

اعتصاب‌پزشکان‌پاریس

پزشکان منطقه پاریس بعنوان‌اعتراض‌به‌طرح دولت درمورد کاهش مخارج بهداشتی دست‌باعتصاب‌زدند.

دولت‌فرانسه‌که مانند هردولت‌سرمایه‌داری درغرب‌با بحران اقتصادی دست‌بگریبان است،کاهش بسیاری ازمخارج‌رفاهی‌وازجمله مخارج بهداشتی‌را چاره‌کاردانسته است‌که درنتیجه فشار آن بیشتر برزحمتکشان واردمیشود.

ازسوی دیگر فشاربرای افزایش بودجه نظامی‌کشورهای عضو ناتو،ازجمله فرانسه روبافزایش‌است.

تجاوزتازه نژادپرستان

نژادپرستان رودزیا باکمك همپالکی‌های خود در افریقای جنوبی، تحریکات مسلحانه‌علیه‌کشورهای همسایه راافزایش‌داده‌اند. دولت زامبیا اعلام‌کرد که هزار سرباز رژیم‌های نژادپرست رودزیا و افریقای جنوبی به خاك زامبیا تجاوز کرده، دست به خرابکاری زده‌اند. این حملات در حالیست که در لندن، دولت انگلستان از «حسن‌نیت» رژیم سرسپردهٔ سالیسبوری‌برای‌حل‌وفصل مسئله رودزیا سخن می‌گوید .

ازسوی دیگر جبهه میهن‌پرستان زیمبابوه(رودزیا) که بسا هرگونه امتیاز یکجانبه برای سفیدپوستان مخالف است، جنگ‌علیه نظامیان سالیسبوری را شدت داده است.

در روزهای اخیر در چند نقطه کشور نبردهای شدیدی میان چریکهای میهن‌پرست و نظامیان رژیم سالیسبوری روی داده است.

قبضه‌کردن اقتصاد مصر توسط‌انحصارات‌آمریکائی

درحالیکه امپریالیسم امریکا رژیم سادات را برای ایفای نقش ژاندارم درمنطقه آماده میکند، انحصارات امریکائی بتدریج اقتصاد این‌کشور را قبضه می‌کنند.

اخیراً پنجمین‌اجلاس سالیانه کمیسیون مشترك‌سرمایه‌گذاری آمریکا درمصر به‌کار در قاهره پایان داد.

انحصارات امریکائی‌تضمین‌های تازه‌ای از رژیم سادات در مورد افزایش سرمایه‌گذاری درمصر گرفته‌اند.

انحصارات امریکائی‌قصد دارند به تلاش‌های بیشتری برای تحکیم موقع خود در مصر از طریق سرمایه گذاری در طرح‌های مشترك دست بزنند.

رویدادهای جهان

شورای جهانی صلح تحریکات علیه کامبوچیا را محکوم میکند

هیئت نمایندگی شورای جهانی صلح به‌ریاست رومش‌چاندرا دبیرکل این شورا ازکامبوچیا دیداری بعمل آورد. رومش‌چاندرا طی مذاکرات درپنوم پنه تاکید کردکه نیروهای صلح دوست‌جهان نسبت به دولت و مردم کامبوچیا همبستگی عمیق دارند. هیئت نمایندگی شورای جهانی صلح توطئه‌ها و تحریکات بین‌المللی ، از جمله ازجانب امپریالیسم امریکا ورهبری پکن را علیه مردم این کشور محکوم کرد .

جهان سرمایه‌داری باتورم‌روز افزون روبرواست

در ۱۴ کشور سرمایه‌داری آهنك رشدتورم درسالهای اخیر به‌شاخص بی‌سابقه‌ای ۹٫۱ درصد رسیده است. طبق آمار منتشره ازجانب صندوق بین‌المللی پول،این‌رشد تورم دربزرگترین کشور سرمایه‌داری، یعنی امریکا،بسیار چشمگیر است ونتیجه مستقیم آن افزایش قیمت‌هاست. ازژوئیه سال پیش‌تاکنون، قدرت خرید اهالی این‌کشور ۱۱٫۲ درصدکاهش‌یافته‌است. علت عمده تورم‌درکشورهای سرمایه‌داری‌عبارتست ازافزایش روزافزون اعتبارات تسلیحاتی،که سنگینی بارآن مستقیماً بردوش زحمتکشان تحمیل میشود و در عوض کمپلکس‌های نظامی ـ صنعتی درآمدهای هنگفتی به‌جیب میزنند.

تلاش امپریالیسم‌امریکا درقبرس

امپریالیسم امریکا میخواهد قبرس‌را به‌پایگاه بزرگی‌برای تجاوز تبدیل‌کندو درنظردارد درپایگاههای نظامی انگلستان در قبرس موشك‌های مدرن هسته‌ای مستقرسازد. حزب‌کمونیست قبرس دربیانیه افشاگرانه‌ای اعلام کردکه زمامداران واشنگتن استقرار موشکهای هسته‌ای را درپایگاههای انگلستان درقبرس بطورجدی مورد توجه قرارداده‌اند.

حزب‌کمونیست قبرس خواستار خروج نیروی خارجی از قبرس وبرچیده‌شدن پایگاههای نظامی دراین‌جزیره استوازمردم خواسته است‌که هوشیاری‌خودرا حفظ‌کنند .

امریکا رژیم مغرب را علیه جبهه پولیساریو تقویت میکند

امپریالیسم امریکا تصمیم‌گرفته‌است‌رژیم مغرب را درجنك علیه جبهه‌پولیساریو تقویت‌واین‌رژیم‌را مسلح‌کند. جبهه‌آزادیبخش پولیساریواعلام‌کردکه این اقدامات امریکا علیه خلق صحرای‌غربی وتجاوز علیه این‌خلق است.

جبهه پولیساریو اعلام‌کردکه بهرحال ملك‌حسن به‌سرنوشت شاه مخلوع ایران دچارخواهد شد.

اخراج امریکائی توطئه‌گر از نیکاراگوئه

رژیم انقلابی نیکاراگوئه‌که جدأدست‌اندرکار مبارزه‌با بقایای رژیم سرنگون شده سوموزا است، یك‌تاجر امریکائی رابخاطر توطئه علیه انقلاب نیکاراگوئه اخراج‌کرد.

این تاجر بخاطر قاچاق اسلحه برای‌بقایای طرفداران‌رژیم سرنگون شده سوموزا، ازکشور اخراج شد.

طرفداران سوموزای مخلوع بادلگرمی ازحمایت‌امریکا سعی دارند به‌انقلاب نیکاراگوئه ضربه وارد سازند.

دلیل‌اصلی استعفای‌دایان،وزیر خارجه‌سابق اسرائیل

محافل ترقیخواه عرب دربیروت اعلام کردند که استعفای موشه‌دایان نشانه بحران جاری دردیپلماسی اسرائیل است.

چندروزنامه بیروتی نوشته‌اندکه حملات وحشیانه اسرائیل به‌روستاهای جنوب لبنان قسمتی ازسیاست توسعه طلبی‌صهیونیستهای اسرائیلی است‌که بوسیله افکارعمومی جهان محکوم شده است.

ازسوی دیگر خبرگزاری تاس اعلام‌کرد که استعفای موشه‌دایان نتیجه اختلافات وی بابگین ودیگر رهبران اسرائیل برسرنحوه رسیدن به‌هدفهای اسرائیل است.

دایان درحالیکه خود یك‌صهیونیست دوآتشه است وکاملا با سیاست‌های دارودسته‌تل‌اویو موافق است، اماعقیده داردکه میتوان ازراههای «معتدلتر وانعطاف پذیرتر» این سیاستهارا پیش‌برد.

نظر سازمان آزادیبخش فلسطین در مورد استعفای موشه‌دایان

سخنگوی سازمان آزادیبخش فلسطین دربیروت‌اظهارداشت که استعفای موشه‌دایان وزیرامورخارجه دولت اسرائیل، بازتابی ازدشواریهاییست‌که امریکا واسرائیل دراجرای موافقت‌نامه‌های کمپ‌دیوید با آنها روبروشده‌اند.

بنابگفته یکی ازرجال سیاسی اسرائیل، موشه‌دایان قبل از دیگران احساس‌کردکه‌کشتی سیاسی اسرائیل درحال‌غرق‌شدن است. احزاب‌مخالف بادولت بگین، استعفای‌دولت‌وی‌وبرگزاری‌انتخابات فوق‌العاده را خواستارشده‌اند.

کشورهای امریکای لاتین حضورنظامی امریکا رادر این‌منطقه محکوم میکنند

در لاپاز، پایتخت بولیوی، اجلاس مجمع عمومی سازمان کشورهای امریکائی‌گشایش یافت. مسائل سیاسی واقتصادی ونیز نقض حقوق و آزادیهای دمکراتیك درکشورهای منطقه،که دارای رژیمهای دیکتاتوری وابسته به امریکا هستند، در برنامه‌کار اجلاسیه قراردارد. کشورهای شرکت‌کننده دراین اجلاسیه تشدید حضور نظامی‌امریکا دردریای‌کارائیب رامحکوم میکنند. کشورهای‌گرنادا ، سنت‌لوئیس‌وجامائیکاطی اعلامیه مشترکی،ضمن محکوم‌کردن‌حضور نظامی امریکا دراین منطقه، روی ضرورت تبدیل حوضه دریای کارائیب به منطقه صلح تاکیدکردند.